



The Method or Methods of Adaptation and Evaluation of Modern Rationalistic Methods with Accepted Diagrams of Islam

Hasan Shariati¹, Hossein Ahmari^{1*}, Ozra Entekhabian¹

1. Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Two jurisprudential documentaries, Araf and Banai al-Aqla, play an important role in Imami jurisprudence and principles. The jurisprudence system and the principles of Shia jurisprudence consider only matters eligible for the discovery of a Sharia ruling whose content and authenticity have been proven and in this system; a procedure that can successfully pass the two stages of content and legal approval is accepted by Shia jurisprudence. Based on this, this system can be considered an authentic system.

Method: This research is of a theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of collecting information is library-based and by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In this research, the principles of trustworthiness, honesty, neutrality and originality of the work have been respected.

Results: In this article, after a new definition of the foundation of rationality, to the new problem and challenge that we are facing in the era of globalization, that is, how can modern rationalist methods be adapted in the current era with the foundation of rationality approved by Shariah? It is answered.

Conclusion: The results of the content analysis show that according to the certain and agreed principle of the usulists, the rationalistic procedures or the building of rationality must have all the components of authenticity and not face legal objections in order to be relied on in jurisprudence. According to the Usulists' point of view, the non-rejection of the Shariah does not need a proof, but as long as the general prohibition of the Shariah does not include the case of rationalists and modern rationalistic practices, the non-rejection of the Shariah is proven and therefore, any practice can be accepted in the present era. The future was examined and adapted.

Keywords: Islam; the Way and Structure of Rationality; Customs; Modern Rationalistic Ways

Corresponding Author: Hosein Ahmari; **Email:** ahmari.hosein@yahoo.com

Received: April 14, 2023; **Accepted:** August 05, 2023; **Published Online:** October 09, 2023

Please cite this article as:

Shariati H, Ahmari H, Entekhabian O. The Method or Methods of Adaptation and Evaluation of Modern Rationalistic Methods with Accepted Diagrams of Islam. *Medical Law Journal*. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e24.



مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، ویژه‌نامه تحولات حقوقی، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicalaw.ir>



انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

روش‌های انطباق و ارزیابی شیوه‌های مدرن خردگرایانه با نمودارهای مورد قبول اسلام

حسن شریعتی^۱، حسین احمدی^{۱*}، عدرا انتخبیان^۱

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: دو مستند فقهی عرف و بنای عقلا در فقه و اصول امامیه نقش مهمی را به عهده دارند. نظام فقهی و اصول فقه شیعه، تنها اموری را واجد صلاحیت کشف حکم شرعی می‌داند که محتوا و حجیت آن به اثبات رسیده باشد و در این نظام، رویه‌ای که بتواند از دو مرحله محتوایی و تأیید شارع با موفقیت بگذرد، مورد پذیرش فقه شیعه می‌باشد. بر این اساس می‌توان این نظام را یک نظام حجیت‌مدار دانست.

روش: این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است و بر مبنای جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تحقیق حاضر، اصل امانتداری، صداقت، بی‌طرفی و اصالت اثر رعایت شده است.

یافته‌ها: در این مقاله پس از تعریفی نو از بنای عقلا، به مسأله جدید و چالشی که در عصر جهانی شدن با آن رو به رو هستیم، یعنی اینکه چگونه می‌توان شیوه‌های نوین خردگرایانه را در عصر حاضر با بنای عقلا مورد تأیید شارع، تطبیق دهیم، پاسخ داده می‌شود.

نتیجه‌گیری: نتایج از بررسی محتوایی با توجه به اصل مسلم و مورد توافق اصولیان نشان می‌دهد، رویه‌های عقل‌گرایانه یا همان بنای عقلا می‌بایست تمام مؤلفه‌های حجیت را دارا باشند و مواجه با ردع شارع نباشد تا مورد استناد فقهی قرار گیرند، طبق دیدگاه اصولیان عدم ردع شارع، نیاز به دلیل اثباتی ندارد، بلکه همان مقدار که عموم نهی شارع شامل مورد بنای عقلا و رویه عقل‌گرایانه مدرن نشود، عدم ردع شارع به اثبات می‌رسد، لذا می‌توان هرگونه رویه‌ای را در عصر حاضر و آینده مورد بررسی و تطبیق قرار داد.

واژگان کلیدی: اسلام؛ سیره و بنای عقلا؛ عرف؛ خردگرایی

نویسنده مسئول: حسین احمدی؛ پست الکترونیک: ahmari.hosein@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۱۷

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Shariati H, Ahmari H, Entekhabian O. The Method or Methods of Adaptation and Evaluation of Modern Rationalistic Methods with Accepted Diagrams of Islam. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e24.

مقدمه

عرف و بنای عقلا و انواع سیره‌ها به عنوان بعضی از مستندات فقهی می‌باشند که ابزار کشف احکام بوده و به واقع نشانه‌های پویایی فقه به حساب می‌آیند و یکی از پایه‌ها و اساس پیدایش و شکل‌گیری آن‌ها، وجود عقل و جمعیت است و در صورت ایجاد خلل در این رکن، ملاک و حجیت آن‌ها هم در معرض اشکال قرار می‌گیرد. با ظهور شیوه‌های نو و مدرن عقل‌گرایی (تجددگرایی و پُست تجددگرایی) که باعث ایجاد رویه‌های گوناگون و متعدد خردگرایی شده، چگونه این رویه‌ها با شرایط حجیت بنای عقلا منطبق می‌شوند؟ چگونه اعتبار حُجّیت آن‌ها ارزیابی می‌شود؟ و با وجود تکثر و گسترش این نوع شیوه‌ها، چطور می‌توانیم عدم ردع و نهی شارع را در مورد آن‌ها اثبات کنیم؟ این شیوه‌ها و رویه‌ها، جزء جدایی‌ناپذیر زندگی معاصر بوده و تأثیر بسیاری بر نحوه کردار افراد دارند و همینطور جایگاه راهبردی در مسیر استنباط‌های فقهی، حقوقی به خود اختصاص داده‌اند. علاوه بر اینکه، زادگاه بسیاری از احکام و قوانین شده و یکی از اسباب تشخیص افراد موضوع احکام به شمار می‌آیند. پیرامون این مباحث و چالش‌ها، مختصراً مطالعاتی صورت گرفته، اما نظام‌مند و مدون نبوده و به عبارت دیگر مطالعات قابل اعتمادی در این عرصه پژوهشی منتشر نشده است. طرح پیشنهادی تحقیق حاضر علاوه بر مرور مفهوم‌سازی‌های قبل از این مستندات (بنای عقلا و عرف) درصدد تبیین بسترهای معرفتی و تاریخی چالش‌های جدید در آن‌ها و ارائه مفهوم‌سازی جدید از آن است. در این میان بر مسأله مستندات فقهی (عرف و سیره‌ها) و تجددگرایی (مدرنیسم و پست‌مدرنیسم) تأکید می‌شود. همچنین تحلیل زمینه‌های تاریخی و معرفتی که چالش‌های نوین از آن‌ها سبب شده در تدوین دقیق مسائل جدید و صورت‌پذیری آن‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

روش

این پژوهش از نوع نظری بوده و روش پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت

کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها

در مقاله حاضر پس از تعریفی نو از بنای عقلا، به مسأله جدید و چالشی که در عصر جهانی‌شدن با آن رو به رو هستیم، یعنی اینکه چگونه می‌توان شیوه‌های نوین خردگرایانه را در عصر حاضر با بنای عقلا مورد تأیید شارع، تطبیق دهیم، پاسخ داده می‌شود. همچنین به بررسی معانی و محتوای خردگرایی و عرف و بنا عقلا و به جنبه‌های تکنولوژی شیوه‌های نوین خردگرایی در فقه اسلامی و بررسی شیوه‌های خردگرایانه مدرن و وجهه شیوه‌های خردگرایانه و فرضیه امضایی بودن بنای عقلا و عرف پرداخته می‌شود.

بحث

۱. **خردگرایی:** خردگرایی یا مکتب اصالت عقل Rationalism از ریشه لاتین (Ratio) گرفته شده و برابر با خردباوری، اصالت عقل و اندیشه و روشنگری ترجمه می‌شود. اصالت خرد و عقل که به معنای تکیه بر اصول عقلی و منطقی در اندیشه، رفتار و گفتار است، وقتی که در ارتباط با متفکران نخستین قرن هفدهم من جمله لایبنیتس (Gottfried Wilhelm Leibnitz)، اسپینوزا (Spinoza) و دکارت (Descartes) به کار می‌رود به معنای باور به خرد، اندیشه و عقل به عنوان تنها منبع معتبر شناخت است. این متفکران تلاش نمودند حقایق اصلی هستی را از راه برهان و استدلال عقلی اثبات کنند (۱). صاحبان این نظریه، معتقدند که به وسیله به کاربردن روش‌های معین صرفاً عقلی است که ما می‌توانیم به معرفتی یقینی به معنی کامل و تمام آن نائل آییم، آنچنان معرفتی که در هیچ اوضاع و احوالی ممکن نیست خطا و نادرست باشد. معمولاً نظریات عقلی مذهب‌ان مبتنی بر این عقیده است که ما نمی‌توانیم از راه تجربه حسی هیچ شناسایی مطلقاً یقینی حاصل کنیم، بلکه در قلمرو ذهن و عقل باید آن را جستجو کنیم. مذهب اصالت عقل به طور کلی بر اولویت و حاکمیت

عقل تأکید می‌کند، به این معنا که در بحث از جهان خارج کسی که به این اصل قائل است که هر امری معقول و منطقی است، یعنی هر امری را جهت و علتی است و آن جهت و علت را می‌توان با عقل و منطق تبیین کرد بر مذهب اصالت عقل رفته است (۲).

۲. جنبه‌های تکنولوژی شیوه‌های نوین خردگرایی در

فقه اسلامی: واقعه و پدیده جهانی‌شدن در بعد فناورانه خود باعث ایجاد ابزارهای ارتباطی میان افراد جامعه می‌شود و به همین سبب یکسری رویه‌ها را به جامعه ارائه می‌دهد که استفاده از آن‌ها در برخی از موارد ضروری و جزء اصول لاینفک زندگی آن‌ها محسوب می‌گردد. شیوه‌های ارتباطی، ارشادی و موعظه، تبلیغ دین و آموزه‌های مذهبی و... از این‌گونه می‌باشند. در راستای استفاده و به کارگیری این ابزار که یک نوع عرف و شیوه اندیشه‌ورزی به حساب می‌آید، عرف‌ها و رویه‌های دیگری که با اصل دین و اخلاقیات تضاد دارند، به وجود می‌آیند و افراد متشرع را در بازشناسی رویه‌های صحیح و مورد تأیید شرع از عرف‌ها و رویه‌های مردود دچار مشکل و سردرگمی می‌کند. ارائه متد و روش مورد تأیید شرع در ارزیابی شیوه‌های خردگرایانه با توجه به اصول و مبانی بنای عقلا و عرف، نقش مهم و کاربردی در رفع این چالش‌ها و سردرگمی ایفا می‌کند (۳).

۳. شیوه‌های خردگرایانه مورد اجماع و شیوه غیر مورد

اتفاق: در اینجا به چند نکته اشاره می‌شود پیش از آنکه به توضیح موضوع مورد نظر بپردازیم. بناهای عقلا از نظر شروع پیدایش به دو گونه تقسیم می‌شوند و همین مورد نشان می‌دهد که گستره و مصادیق بنای عقلا با یکدیگر متفاوت‌اند و دارای آثار مختلف می‌باشند: ۱- گاهی اوقات این شیوه‌ها از فطرت و سرشت انسان سر چشمه می‌گیرند و با وجود تفاوت‌ها و اختلافات نژادی، فرهنگی و ایدئولوژی، متفق‌اند. در حیطة عمل و کاربرد، همه انسان‌ها یک رویه و روش را دنبال می‌کنند و در واقع به این نوع از رویه‌ها تصریح و تأیید شده است، از جمله آن‌ها می‌توان به عمل به ظواهر، پذیرش خبر واحد و لزوم رجوع جاهل به عالم و رویه‌های مبتنی بر

۲- اما در برخی از موارد شیوه و روش‌هایی وجود دارند که ناشی از فطریات مشترک انسانی نیستند، لکن در زندگی روزمره عقلا مشاهده می‌شوند و مورد عمل و معیار رفتاری آن‌ها قرار گرفته می‌شوند، البته انگیزه و محرک ایجاد این رویه‌ها، متفاوت و متعدد می‌باشد (۵).

۴. بررسی شیوه‌های خردگرایانه مدرن: انگیزه و عوامل

تشکیل رویه‌های صحیح معمول میان افراد جامعه محدود و قابل اتفاق همه فقهای بل عقلا می‌باشد و در واقع مؤلفه‌های صحیح‌بودن یک رویه محسوب می‌شوند. همه رویه‌های ضروری (فطری) و غیر ضروری (غیر فطری) باید تابع یک رویکرد و انگیزه‌های خاصی باشد که مورد تأیید فقها و عقلا باشند تا اینکه از نظر محتوا مورد پذیرش قرار گیرند (۶).

۱- رویه‌ها و بناهای عقلایی که مبتنی بر فطرت و سرشت مشترک انسانی باشند و همه انسان‌ها بر صحیح‌بودن این عمل متفق‌القولند.

۲- رفتارها و رویه‌هایی که ضامن حفظ مصالح عام اجتماع باشند، به طوری که اگر این رویه‌ها معطل یا از بین روند خطر هرج و مرج و اخلال در نظام اجتماع ایجاد می‌گردد. سفارش امیرالمؤمنین (ع) به مالک اشتر در توجه ویژه به این رویه‌ها در حوزه فرماندهی خود، از این نوع می‌باشد.

۳- رویه‌هایی که بر اساس منافع شخصی و اجتماعی ایجاد می‌شوند و در واقع وجود آن‌ها حافظ آن منافع می‌باشند.

۴- تسهیل امور، رفتارهایی را ایجاد می‌کنند که مردم بر آن رفتارها الفت و خو می‌گیرند، به طوری که که کنار گذاشتن آن‌ها باعث عسر و حرج در روزمرگی آن‌ها می‌شود.

این موارد قابل قبولی که صحیح‌بودن محتوای رویه‌ها را تشکیل داده‌اند، در طول دوران تاریخ بشری عقلاً و شرعاً مورد توجه و تأیید قرار گرفته شده‌اند (۷).

۳- در برخی موارد رویه‌ها در کسب و حفظ منافع فردی و اجتماعی از حد معمول و ممدوح خود خارج شده و به سمت افراطی جهت می‌یابد، به طوری که برای به دست آوردن آن‌ها منافع حقیقی اجتماع و افراد آن، پایمال می‌شوند و مانع دستیابی ذی‌حقی به حق خود می‌گردند. رفتارهایی که به نقض قانون راهنمایی و رانندگی و احتکار کالاهای ضروری و اساسی در دوران سخت معیشتی افراد جامعه منجر می‌شود، از خصیصه این رویه‌ها می‌باشد (۱۰).

۴- رویه‌هایی ظهور پیدا می‌کنند که با کمترین تأملی در مفاد و محتوای آن‌ها، هر عاقل و خردمندی، زشتی و ناپسندی آن را درک می‌کند، یعنی با مراجعه به وجدان و فطرت الهی خود، باطل بودن این رویه‌ها قابل اثبات بوده و تابع بودن آن‌ها از روش هواهای نفسانی، به راحتی قابل شناسایی می‌باشند. استماع موسیقی مطرب‌آور، شرکت در جلسات مختلط جنسی (پارتی) و عدم رعایت مرزهای نامحرمی در حوزه همکاری اداری و... شامل این نوع رویه‌ها می‌باشند.

۵- برخی سیره‌ها نیز به وضوح و با اندک تأملی به فساد آن‌ها پی برده نمی‌شود، بلکه نیاز به کارشناسی و دقت موشکافانه دارند تا اینکه فساد آن‌ها برای اجتماع کشف شوند، مثل جایگزینی روابط با ضوابط در امور اجتماعی، سوءاستفاده از قدرت و مقام دولتی، ارتشاء، دروغ‌گویی سیاستمداران، عدم رعایت مبانی اخلاقی توسط خواص و سیاستمدان، رواج غیبت و مفاسد اداری و... جزء رویه‌های باطل و غیر قابل قبول می‌باشند.

۶- گاهی اوقات روش‌های غیر عقلانی در جامعه پیدا می‌شوند، لکن در غالب موارد (نه همیشگی) اکثریت مردم از آن رویه‌ها اجتناب می‌ورزند و تقریباً هیچ‌گاه اجماع عملی مردم و عقلای اجتماع بر این رویه‌ها، مشاهده نشده است. اعمال شنیع همجنس‌بازها، خرید و فروش منافع وجودی افراد و... از این رویه‌ها محسوب می‌شوند (۱۱).

۷- یکسری اعمال و رویه‌هایی از سیاست مردان و کارگزاران حکومت اسلامی دیده می‌شود که در برابر قاعده نفی سبیل بوده و باعث تسلط اجنبی‌ها بر مسلمانان و هم‌کیشان می‌گردد

با توجه به ملاک‌های صحیح یک رویه، معیارهای غلط که باعث می‌شوند محتوای رویه‌ها مورد سؤال و ایراد قرار گیرند، کشف شده و عمل ناظر بر آن‌ها باطل و مردود اعلام می‌گردد. این مؤلفه‌ها را می‌توان به شرح زیر احصاء نمود.

۱- راحت‌طلبی مطلق: گاهی اوقات افراد جامعه هدف اصلی خود را رفاه و راحت‌طلبی مطلق قرار می‌دهند و در این راستا یکسری رویه‌هایی را در جامعه رواج می‌دهند که هدف و ثمره آن‌ها رسیدن به آن است و در راستای این مسیر، اهداف عالی و انسانی کمرنگ و گاهی اوقات نادیده می‌شوند. این رویه‌ها از نهضت عقل‌گرایی مدرن حاصل شده و نظام و کانون اجتماع و خانواده را جولانگاه رفتارهایی که مبتنی بر راحت‌طلبی مطلق و غیر ضروری است، قرار می‌دهند (۸).

هر آنچه انسان را از اهداف عالی و نقشه راه الهی برای سعادت او، خارج نماید از محتوایی ضد ارزش و فطرت خداجوی انسانی است. رسوم خواستگاری و مقدمات ازدواج با هزینه‌های غیر متعارف و غیر ضروری، از جمله رویه‌های غلط و رواج‌یافته در جامعه است.

۲- لذت‌طلبی: برخی از رویه‌ها گاهی اوقات به واسطه گروه اندکی از مردم به وجود می‌آیند که بر اساس یک ایدئولوژی غلط و نا مرتبط با فطرت؛ عقل، تجربه و اندیشه جمعی خردمندان با نخبگان جوامع انسانی صورت می‌گیرند و به طوری که که از حداقلی انگیزه‌های رفتارهای صحیح مذکور از جمله عادت، تقلید، عواطف، احساسات و خلیقات بهره‌ای نبرده‌اند (۹).

این رویه‌ها تنها مبتنی بر لذائذ نفسانی و لذت طلبی حیوانی ایجاد شده و در واقع در موضوع مقابل فطرت و سرشت انسانی، قرار می‌گیرند، به طوری که برای تحصیل لذت نفسانی، همه تمایلات فطری، الهی و انسانی را کنار گذاشته تا به بهره حداکثری و غیر اخلاقی دست یابند.

روابط جنسی آزاد و متضاد با کرامت انسانی که در جوامع بشری و متأسفانه در ممالک اسلامی، رایج و بعضاً به صورت رویه‌های نوین عقل‌گرا ایجاد گردیده‌اند، از جمله این رویه‌ها و رفتارها محسوب می‌شوند.

و در واقع این رویه‌ها موجب دلسردی و ناامیدی افراد جامعه مسلمانان می‌شود.

رفتارها و گفتارهایی که از برخی تربیون‌های رسمی به گوش می‌رسند و موجب می‌شوند که دشمنان اسلام بر اساس این گفتارها، اقدام به تخریب و تضعیف پایه‌های نظام اسلامی نمایند و نوشتاری که موجب تضعیف بزرگان و اندیشمندان اسلام شود، از این جمله رویه‌ها می‌باشند (۱۲).

در نتیجه رویه‌ها از نظر محتوی به دو گونه‌اند، پذیرفته‌شده و مردود و هر کدام نیز به فراخور مصالح و مفسد نهمفته در آن‌ها، به چند دسته و طبقه، قابل تقسیم هستند که در بررسی و ارزیابی رویه‌های مدرن ناشی از عقل‌گرایی ابتدا قبل از آنکه حجیت و یا عدم حجیت آن رویه‌ها را اثبات نماییم، باید محتوای آن رویه‌ها را مورد بررسی قرار داد، در صورتی که در دسته رویه‌های پذیرفتنی - از لحاظ محتوا - قرار گیرند، در حجیت یا عدم حجیت آن دسته از رویه‌ها - که امری کلی است - بحث خواهد شد.

۵. بررسی وجهه شیوه‌های خردگرایانه و فرضیه امضایی

بودن بنای عقلا و عرف: در مباحث قبلی در رابطه با تحلیل دیدگاه‌های مربوط به حجیت عرف و بنای عقلا چهار نظریه بیان گردیده و دلایل ارائه‌شده در این باب را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادیم. دلیل دیگری که در ردّ نظریه‌های غیر قابل پذیرش می‌توان بیان نمود، این است که در صورتی که آن دیدگاه‌ها دارای اعتبار و مورد تأیید و وثوق قرار گیرند، با بن بست و کنش‌پذیری در این منابع فقهی مواجه می‌شویم، زیرا در صورتی که بنای عقلا (بما هو بنای عقلاء) و عرف (بما هو عرف) را ذاتاً حجیت بدانیم، لازم می‌آید که دست محقق در بازشناسی رویه‌های صحیح از غیر صحیح در عصر مدرن عقل‌گرایی بسته می‌شود (۱۳)، به طوری که در این دوره و عصر تضادها با معضل بن‌بست و بلا تکلیفی مواجه می‌شویم، فلذا بر مبنای این دیدگاه حجیت عرف و بنای عقلا در عصر حاضر زیر سؤال رفته و آن را از اعتبار می‌اندازد، زیرا در این دوره یکسری شیوه‌های عرفی ظهور پیدا کردند که بعضاً با یکدیگر در تضاد می‌باشند. در پذیرش دیدگاه دیگر در حجیت

عرف و بنای عقلا، یعنی قائل به کاشف‌بودن آن از حکم عقل نیز ما را به تحجیر و بلا تکلیفی سوق می‌دهد، زیرا چندین سؤال و ابهام پیش روی محقق ایجاد می‌کند که روشن کردن آن‌ها نیاز به استدلال دارد. من جمله این سؤالات این است که، منظور از عقل چیست؟ و شامل کدام نوع از عقل می‌شود؟ در عصر مدرن با توجه به ظهور ایدئولوژی‌های مختلف و صدور نظریه‌های متعدد در رابطه با عقل، با تکرر عقل رو به رو می‌شویم و همین امر موجب می‌شود که محقق را در بررسی رویه‌های مدرن اصالت عقل با انبوهی از ابهامات و اشکالات مواجه می‌کند و چه بسا عدم پاسخ به این سؤالات سبب انحراف به سوی پدیده شوم سکولاریزم شود و هدف و جهت این نوع از منابع فقهی که حاوی مصالح مختلف است، تغییر کند (۱۴).

۵-۱. شیوه استدلال و توافق از صحه‌گذاری شارع مقدس:

پیروان و تابعین امروزه ائمه (ع) دو وضع و حال دارند. اول اینکه عضو و داخل عقلا هستند و احکام عقلا بر آن‌ها صدق می‌کند و دوم اینکه متشرع هستند و احکام شریعت را هر چند که به عقلا ارتباطی ندارد، مورد عمل قرار می‌دهند، مانند (چهر) در نماز جمعه؛ در صورت دوم بحثی در سیره عقلا نمی‌شود، بلکه ویژگی آن‌ها در این راستا مربوط به سیره متشرعین است، لکن در زمینه اول اصحاب معصومین که مرتکبات عقلایی بوده است و نفوذ عمیق در افراد داشته و موجب ایجاد حالتی ناخودآگاه در مردم می‌شود در اینجا باید موافقت شارع را اثبات نمود (۱۵).

برای اثبات این موضوع دو مقدمه و شرط بیان می‌نماییم:

۱- اگر شارع مخالف سیره بوده، قطعاً از پیروی و متابعت آن نهی می‌فرمود.

این مقدمه به چند دلیل قابل اثبات بود و آن را به عنوان مستمسک معتمد برای تثبیت فرضیه مورد نظرمان قرار می‌دهد، در صورتی که مقدمه اول رد شود، موجب نقض غرض و عدم اجرای صحیح رسالت از جانب معصوم می‌باشد و این تخلف عقلا محال است، زیرا معصومین (ع) به عنوان مبلغ دین الهی بوده و وظیفه تبیین حلال و حرام آن شریعت می‌باشند.

- وجود سیره‌ای خاص که موضوع آن مورد ابتلای همگان است و بودن اتفاق نظر و وحدت عمل در آن، گویای آن است که این سیره دارای ریشه‌های کهن است و به زمان امامان معصوم (ع) می‌رسد، مثلاً سیره متشرعه در مورد «اخفات» در نماز ظهر روز جمعه، دلیل بر آن است که در زمان معصومین (ع) نیز چنین بوده است و دستور بر اخفات از خود آنان صادر شده است، زیرا بعید و عادتاً محال است که متشرعه ناگهان از وجوب «جهر» در نماز ظهر روز جمعه به «اخفات» در آن نماز روی آورند و اگر این تغییر مستند به عصر تشریح نباشد، بایستی ناشی از عوامل و شرایطی استثنایی بوده باشد که در صورت بودن چنین عواملی طبیعتاً به آن‌ها اشاره می‌شد (۱۸). این راه در بسیاری موارد قابل دفاع نیست، حتی اگر فرض کنیم بر مضمون آن تطابق عملی وجود دارد، زیرا قبول می‌کنیم که تصور دگرگونی ناگهانی در التزامات متشرعه و عقلایی بسیار دشوار و به حساب احتمالات صفر است، لیکن فرض‌های دیگری نیز می‌توان در این باب ارائه کرد که بر طبق آن‌ها سیره در طی قرون متمادی به تدریج دگرگون می‌شود. در همین مثال می‌توان فرض کرد که فقیهی با بررسی ادله و نیافتن دلیلی خاص بر وجوب «جهر» در نماز ظهر روز جمعه، به عدم وجوب «جهر» فتوا می‌دهد و گروهی از متشرعه به این فتوا عمل می‌کنند. مدتی بعد، فقیهی دیگر با بررسی ادله و توجه به مقتضای قاعده در این مورد که اخفات در نمازهای ظهر و عصر است و اجماع یا سیره‌ای که در نتیجه فتوای پیشین یادشده، در اصل جواز جهر تردید می‌کند و به وجوب اخفات در نماز ظهر روز جمعه فتوا می‌دهد. مدت‌ها بعد این فتوا مورد قبول دیگران قرار گرفته و فتوهای دیگر مانند آن صادر می‌شود و به تدریج سیره متشرعه طبق آن شکل می‌گیرد. بنابراین چنین فریضه‌ای نه غریب است و نه غیر منتظره.

- اثبات همزمانی سیره و وجود آن در زمان معصوم (ع) به وسیله نقل و شهادت است، مانند آنچه شیخ طوسی قدس سره در مورد استقرار بنای اصحاب ائمه و متشرعه در زندگیشان نقل می‌کند که آنان نسلی پس از نسلی احکام و دستورات دینی خود را از اخبار ثقات گرفته و بر آن‌ها اعتماد ورزیده‌اند. اگر تظافر و استفاضه نقل و قرائن متعدد، چنین مطلبی را

حال آنکه با سکوت و کتمان آن‌ها سبب نقصان در دستورات الهی می‌شود. این خطر زمانی آشکار می‌شود که نبود اوامر و نواهی معصومین موجب اشتباه عمل مکلفین گردد، مثلاً در رویه عقلاً لزوم مراجعه به اهل فن برای مسائل فنی و به مجتهد برای امور دینی از مسلمات آن روش است و شارع نیز نهی بر آن ننموده است و اگر سکوت معصوم را به واسطه عدم اطلاع ایشان از این رویه باشد، چه بسا این رویه اشتباه که در مراجعه افراد برای مسائل دینی فرقی بین اهل دین و خبره نباشد، رواج پیدا کند. گاهی اوقات سکوت گویاتر از گفتار است و آنجایی که معصوم در برابر یک رویه و رفتار عقلانی عام سکوت نماید و این سکوت به مثابه دلالت حالی بر تأیید آن رفتار می‌باشد (۱۶).

۲- اگر شارع نهی نموده است، لکن خبر آن به ما نرسیده است، چون خبری به ما نرسیده، فلذا ردعی در کار نیست، پس شارع موافق مضمون آن است.

ردع معصوم دارای درجات متفاوتی است، گاهی اوقات ردع و نهی بر فعل خاصی که از جانب شخصی صادر شده، بار می‌شود و خبری از آن رفتار به ما نرسیده باشد، زیرا نیاز نیست که همه اخبار و وقایع به ما برسد و برخی مواقع ردع بر رفتار عمومی که بر افراد جامعه عادت و رایج شده است و این انس و عادت مردم بر این رویه به نسل‌های آینده آن‌ها نیز سرایت می‌کند. ممکن است سکوت و عدم ردع معصوم بر فعل خاص فرد خاص نتوان به عنوان پذیرش آن فعل از جانب سکوت‌کننده دانست، لکن سکوت در برابر رویه جامعه شمول به مثابه تأیید محسوب می‌شود، زیرا اگر یک رویه غلط و ناروایی در جامعه نفوذ پیدا کند، باید به صورت مکرر و متعدد بر غلطبودن آن اعلام موضع شود و به واسطه عمل بر آن نهی صورت گیرد تا به تدریج از عرصه جامعه محو گردد (۱۷).

۴-۵. راه‌های اثبات همزمانی سیره با زمان معصوم (ع): هنگام رویارویی با سیره عقلایی متشرعه، فقیه حداکثر خود را با آن، معاصر می‌یابد، لذا باید وجود این سیره در زمان معصومین (ع) نیز ثابت شود. برای اثبات این همزمانی موارد زیر ارائه شده است:

تأیید کند، در قطعیت آن شکی نخواهد ماند، لیکن اگر وجود چنین سیره‌ای، با خبر واحد ثقه ثابت شده باشد، سودی برای ما ندارد، زیرا باید حجیت خبر ثقه قبلاً با دلیل دیگری ثابت شده باشد تا بتوان به آن استناد کرد، نه اینکه از سیره برای اثبات حجیت آن استفاده نمود. مسامحاتی هم که از طرف ناقلان اجماع‌های منقول رخ می‌دهد، لطمه‌ای به گفته ما نمی‌زند، زیرا این مسامحات در مقام نقل فتوای اصحاب است که معمولاً در آن تسامح روی می‌دهد، لیکن در مقام نقل التزام متشرعه و سیره اصحاب نمی‌توان تسامح را پذیرفت و از ناقلان هم چنین تسامحی ثبت نشده است. در این مورد خبردادن از یک عمل عینی است که باید با دقت صورت گیرد نه از یک مسأله علمی تا فراهم آمدن برخی دلایل و اقتضای فتوا، بتوان تسامح را پذیرفت (۱۹).

وجود سیره یکسانی در جوامع مختلف و شرایط متفاوت و کشف آن از طریق استقرا مایه تصمیم وجود چنین سیره‌ای در تمام جوامع عقلایی، از جمله جوامع معاصر با دوران معصومین (ع) می‌گردد. این راه نیز در مواردی ناتمام است. ما با این استقرا تنها جوامع معاصر را بررسی می‌کنیم، در صورتی که قصد تعمیم این سیره را به جامعه‌ای داریم که از نظر زمانی بسیار از ما دور است و شرایط خاص خود را دارد. چنین تعمیمی معمولاً طبق حساب احتمالات نادرست است، زیرا تعمیم در جایی رواست که احتمال وجود تکیه خاصی و تفاوتی در میان برخی از موارد نباشد. حال آنکه اجمالاً می‌دانیم اوضاع اجتماعی جوامع بر اثر عوامل متعدد نسبت به گذشته دگرگون شده است و احتمال می‌توان داد که این تغییر شامل حال همه نیز شده باشد (۲۰).

مسأله‌ای که خواهان اثبات وجود سیره در آن هستیم، اگر بسیار مورد ابتلای مردم باشد و خلاف رفتاری که سیره بر آن منعقد شده باشد و نزد مردم و متشرعه، از واضحات نباشد و در لسان روایات و ادله هم در این باب پرسش و پاسخی دیده نشود، در چنین حالتی کشف می‌کنیم که این رفتار خاص در زمان معصوم (ع) نیز وجود داشته است، وگرنه یا خلاف آن از واضحات نزد مردم بود و یا آنکه در این مورد پرسش‌های زیادی مطرح می‌شد که هر دو خلاف فرض ماست، مثلاً فرض کنیم سیره بر عمل به خبر ثقه که عدم آن نزد طبایع عقلایی از واضحات نیست منعقد شده و مورد ابتلای بسیار باشد و در ادله و نصوص صادره از شارع هم از آن نهی به عمل نیامده باشد و حتی گاه عمل به آن تأکید هم شده باشد. در این صورت می‌یابیم که عمل به خبر ثقه در آن زمان‌ها نیز رایج و مرسوم بوده است (۲۱).

در موردی که قصد اثبات انعقاد سیره بر آن را داریم، اگر فرض کنیم چنین سیره‌ای نبوده است، باید جانشین داشته باشد که چنین جانشینی معمولاً به فراموشی سپرده نمی‌شود و به سبب اهمیت موضوع ثبت شده و به ما می‌رسد. شاید بهترین شاهد مثال انعقاد سیره عقلایی بر عمل به «ظواهر» است؛ اگر این سیره در زمان معصومین (ع) نبود و صحابه و اصحاب ائمه ظهور را مقیاس فهم معنی در نظر نمی‌گرفتند، از آنجا که قطعاً به فهم مراد شارع و درک مفهوم می‌پرداختند ناچار بایستی در مقام فهم مقصود مقیاس‌ها و مبانی دیگری داشته باشند. حال اگر مقیاس آن همین ظهور لفظ نبوده باشد، از قواعد دیگری استفاده می‌کردند و در صورت وجود چنین قواعد و مبانی، ما نیز از وجود آن‌ها مطلع می‌شویم و خبر آن‌ها به ما می‌رسید، ولی کمترین اثر و نشانه‌ای از چنین قواعد و جانشین‌های ظهور به ما نرسیده است؛ با اینکه اخبار و مسائل کم‌اهمیت‌تر به ما رسیده است. از این مطالب درمی‌یابیم که ظهور، جانشینی ندارد و خودش حجت است. برای اثبات همزمانی سیره با عصر معصومین (ع) به این پنج مورد یا بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود. همچنین راه‌های جزئی دیگری بر اساس نکات و خصوصیات غیر مضبوط وجود دارد که فقیه معمولاً در فقه با آن‌ها مواجه می‌شود و می‌تواند برای اثبات سیره مورد استدلال قرار گیرند، مثلاً زبان روایات و طرز سؤالات موجود در آن‌ها می‌تواند اثباتاً یا نفیاً کاشف از ارتکاز متشرعه در زمان معصومین (ع) باشد. برای مثال روایاتی را مشهور مورد استناد قرار داده و از آن‌ها نجاست ذاتی اهل کتاب را استنباط کرده‌اند. ما از زبان همین روایات دریافتیم که نزد اصحاب ائمه و متشرعه، سیره بر نجاست آن‌ها منعقد

وجود سیره یکسانی در جوامع مختلف و شرایط متفاوت و کشف آن از طریق استقرا مایه تصمیم وجود چنین سیره‌ای در تمام جوامع عقلایی، از جمله جوامع معاصر با دوران معصومین (ع) می‌گردد. این راه نیز در مواردی ناتمام است. ما با این استقرا تنها جوامع معاصر را بررسی می‌کنیم، در صورتی که قصد تعمیم این سیره را به جامعه‌ای داریم که از نظر زمانی بسیار از ما دور است و شرایط خاص خود را دارد. چنین تعمیمی معمولاً طبق حساب احتمالات نادرست است، زیرا تعمیم در جایی رواست که احتمال وجود تکیه خاصی و تفاوتی در میان برخی از موارد نباشد. حال آنکه اجمالاً می‌دانیم اوضاع اجتماعی جوامع بر اثر عوامل متعدد نسبت به گذشته دگرگون شده است و احتمال می‌توان داد که این تغییر شامل حال همه نیز شده باشد (۲۰).

مسأله‌ای که خواهان اثبات وجود سیره در آن هستیم، اگر بسیار مورد ابتلای مردم باشد و خلاف رفتاری که سیره بر آن منعقد شده باشد و نزد مردم و متشرعه، از واضحات نباشد و در لسان روایات و ادله هم در این باب پرسش و پاسخی دیده نشود، در چنین حالتی کشف می‌کنیم که این رفتار خاص در زمان معصوم (ع) نیز وجود داشته است، وگرنه یا خلاف آن از واضحات نزد مردم بود و یا آنکه در این مورد پرسش‌های زیادی مطرح می‌شد که هر دو خلاف فرض ماست، مثلاً فرض کنیم سیره بر عمل به خبر ثقه که عدم آن نزد طبایع عقلایی از واضحات نیست منعقد شده و مورد ابتلای بسیار باشد و در ادله و نصوص صادره از شارع هم از آن نهی به عمل نیامده باشد و حتی گاه عمل به آن تأکید هم شده باشد. در این صورت می‌یابیم که عمل به خبر ثقه در آن زمان‌ها نیز رایج و مرسوم بوده است (۲۱).

مسأله‌ای که خواهان اثبات وجود سیره در آن هستیم، اگر بسیار مورد ابتلای مردم باشد و خلاف رفتاری که سیره بر آن منعقد شده باشد و نزد مردم و متشرعه، از واضحات نباشد و در لسان روایات و ادله هم در این باب پرسش و پاسخی دیده نشود، در چنین حالتی کشف می‌کنیم که این رفتار خاص در زمان معصوم (ع) نیز وجود داشته است، وگرنه یا خلاف آن از واضحات نزد مردم بود و یا آنکه در این مورد پرسش‌های زیادی مطرح می‌شد که هر دو خلاف فرض ماست، مثلاً فرض کنیم سیره بر عمل به خبر ثقه که عدم آن نزد طبایع عقلایی از واضحات نیست منعقد شده و مورد ابتلای بسیار باشد و در ادله و نصوص صادره از شارع هم از آن نهی به عمل نیامده باشد و حتی گاه عمل به آن تأکید هم شده باشد. در این صورت می‌یابیم که عمل به خبر ثقه در آن زمان‌ها نیز رایج و مرسوم بوده است (۲۱).

نظر آیت‌ا... بروجردی: آیت‌ا... بروجردی در حاشیه خود بر کفایه الاصول مرحوم آخوند خراسانی در بخش استدلال آخوند بر حجیت خبر واحد از کتاب به آیه اذن اشاره می‌نمایند و در حاشیه خود معتقد است که عدم ردع از جانب شارع رتبه و مرحله‌ای از تصدیق و تأیید است و اگر ردعی از جانب او ثابت نشده باشد، این عدم ردع و نهی یک نوع از رضایت و تصدیق او به حساب می‌آید (۲۳).

نظر محقق نائینی: میرزایی نائینی در تحریرات فی الاصول عدم ردع را صریح و به صورت نص واضح و کامل نمی‌داند، بلکه آن را به صرف اینه ثابت نشده باشد - در واقع احراز نشده باشد - کافی می‌داند و آن را کاشف از امضای شارع می‌داند و برای تأیید نظر خود به نظرات همسو با خود را دلیل می‌نماید. ایشان به نقل از فوائد الاصول، در الفوائد، مقالات الاصول، نهاییه الافکار، تنقیح الاصول، دروس فی علم الاصول، اجود التقریرات، افاضه العوائد تقریرات فی الاصول، حاشیه بر کفایه الاصول، الاصول العامه للفقہ المقارن، تسدید الاصول و دروس فی اصول فقہ الامامیه عدم ردع را سکوت و نبود صریح نهی اعلام می‌نمایند و در واقع ردع را دو شیوه نص بر نهی و عدم نص صریح بر نهی می‌دانند.

نظر مرحوم حکیم: مرحوم حکیم درباره عدم احراز ردع شارع معتقد است که نیاز رویه‌های عقلا و عرف به تأیید و امضای شارع به لحاظ اینکه شارع ممکن است روشی غیر از رویه‌های عقلا و عرف مد نظر داشته و این رویه‌ها را غیر قابل قبول از نظر ایشان بوده، لکن اگر از سوی شارع رویه‌های عقلا امضا و تأیید صورت گیرد و یا آنکه ردعی نباشد، برای افراد حجت بوده و قطع حاصل می‌شود (۲۴).

نتیجه‌گیری

رویه‌های مطروحه یا حاصل مقوله جهانی شدن است یا از کانال تکنولوژی ظهور پیدا کرده و یا حاصل ایدئولوژی هستند. در هر صورت این شیوه‌ها جامعه اسلام را فرا گرفته و در واقع جزء لاینفک آن جامعه محسوب می‌شوند. در بررسی نظرات اصولیون باید اذعان داشت که اندیشمندان اصول علیرغم

نشده بوده است، زیرا در این روایات همواره با فرض اینکه اهل کتاب شراب می‌نوشند و میته می‌خورند، از معصومین (ع) پرسش می‌شده است. حال اگر نجاست ذاتی اهل کتاب، مسأله رایج و مشهور بود، دیگر چه نیازی به فرض کردن نجاست عرضی و طرح آن در سؤالات بود؟ همچنین است فقه عامه در باب معاملات که می‌تواند نفیاً یا اثباتاً برخی قرائن را درباره استقرار و انعقاد رفتار عینی مشخص در مورد مسائل خاصی در زمان ائمه (ع) بیان دارد. به اضافه بسیاری خصوصیات جدید و تاریخی که می‌توان از روایات به دست آورد که تفصیل آن به فقه واگذار می‌شود (۲۲).

۳-۵. روش‌های به دست آوردن امضای شارع: دارندگان

این اندیشه، اعتبار و حجت بودن عرف را بسته به موافقت و امضای شارع می‌دانند و بر این نظرند که تنها هنگامی عرف و بنای عقلا اعتبار دارد و درخور استناد است که از سوی شارع امضا شده باشد. روش‌هایی را که پیروان این اندیشه برای به دست آوردن امضای شارع ارائه می‌دهند، عبارتند از بازداشتن (عدم ردع)، ثابت نشدن بازداری، سکوت می‌باشد. اندیشمندان اصول برای اثبات کشف رضایت شارع، به دلایلی متمسک شدند و عدم ردع شارع را دلیلی بر رضایت او بر عمل مکلفین به یک رویه می‌دانند. در این بخش به نظرات و دلایل آن‌ها می‌پردازیم.

نظر مرحوم اصفهانی: ایشان بر این باورند که افراد جامعه بر اساس سرشت حب ذاتی که در وجود خودشان نهفته، معتقدند که اجتماع امری حسن است و برای حفظ آن باید تلاش نمود، زیرا بقای آن ضامن انسان است و عقلا در راستای حفظ این نظام قائل به رویه‌هایی که مبتنی بر این اصل است، می‌باشند و همین عقلا در راستای حفظ نظام هرگونه عرف و رویه‌ای که مانع حفظ آن و یا دارای مفسده‌ای باشد که به بدنه آن ضربه‌ای بزند، مانع آن می‌شوند. شارع نیز علاوه بر شارع‌بودنش جزء عقلا است و اگر مشاهده کند که رویه‌ای با مفسده خود به این اجتماع ناشی از فطرت الهی نشأت می‌گیرد، خللی وارد نماید، قطعاً افراد را از عمل بر آن بر حذر می‌نماید، چون ردع و نهی به دست نیامده است، بنابراین ردعی وجود ندارد.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

اختلاف آن‌ها، بر اینکه نیاز نیست به طور ریز نسبت به احراز رضایت شارع همت نمود، بلکه همین که ردع و نهی از جانب ایشان نبوده، نشانه کشف رضایت شارع است، توافق نموده‌اند و این اصل، ما را در بررسی رویه نوین کمک می‌کند، در نتیجه در نظام حقوقی امروز کشورها و فقه امامیه که به مثابه تاریخ این نظام حقوقی به حساب می‌آید، رویه حاصل از عقل‌گرایی از نقش و جایگاه به سزایی برخوردار است. مع‌الوصف این رویه در این نظام اصولاً «مبنا» و «منبع» وضع قواعد و مقررات حقوقی قرار نمی‌گیرد، بلکه در نظام اسلامی حق قانونگذاری و حکومت صرفاً از آن خداست و وحی مبنای اصلی همه قواعد و مقررات حقوقی است، لذا با رد هرگونه افراط و تفریط در زمینه نقش و کاربرد این شیوه‌ها و ضمن تأکید بر تمایز آن‌ها در عرف صحیح از عرف فاسد، این رویه‌ها از زمان شارع تا کنون همواره در فقه امامیه از نقش مؤثر در زمینه استکشاف حکم شرعی، تشخیص مفاهیم و مصادیق، تشخیص موضوعات و تفسیر اراده متعاملین برخوردار است. به بیان دیگر، اگر با یک رویه جدید حاصل عقل‌گرایی رو به رو شده و خواهان ارزیابی آن شویم، پس از بررسی محتوای آن، به دنبال عدم ردع و نهی شارع از آن رویه رفته و پس از ناامیدی از دستیابی به آن، حکم به رضایت شارع نسبت به این رویه را جاری می‌کنیم و برای رفع این ایراد اینکه وقتی عدم ردع شارع به دست می‌آید، دیگر نیاز به بررسی محتوایی ندارد و در واقع تحصیل حاصل است، باید پاسخ داد که گاهی اوقات یک رویه شامل محتوای مقبول بوده، لکن به جهت اقتضای زمان یا مکان آن رویه توسط شارع ردع و نهی شده است.

مشارکت نویسندگان

حسن شریعتی: نگارش مقاله، جمع‌آوری داده‌ها، گردآوری منابع.

حسین احمری و عذرا انتخابیان: نگارش مقاله، نظارت و راهنمایی بر مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

References

1. Asghari SM. Jurisprudence and Rationality. New Religious Thought Research Quarterly. 2014; 1(2): 163-185. [Persian]
2. Esfahani MH. Nahaye al-Darayyah fi Sharh al-Kafala. Qom: Al al-Bayt al-Ahya al-Tarath Institute; 1994. Vol.4 p.217-225. [Persian]
3. Popkin R, Stroll A. Generalities of philosophy. Translated by Mojtaboi SJ. 28th ed. Tehran: Tehran University Press; 2012. p.288. [Persian]
4. Salehpour J. The process of the secularization of Shiite jurisprudence (the foot in the traditional compound stirrup of the heart in the shahid of Qudsi). Kian Magazine. 1995; 5(24): 17-23. [Persian]
5. Aiti SMR. What is the foundation of wisdom. The Quarterly Researches of Islamic Jurisprudence and the Fundamentals of Law. 2011; 7(23): 11-37. [Persian]
6. Salehi Mazandarani MA. Description of Kefayyah al-Asul. Tehran: Salehian; 2018. p.132-137. [Persian]
7. Montazeri HA. Nahayeh al-Asul (Ayatollah Boroujerdi's interpretations of the principles). Qom: Nashr-e Qods; 1996 p.473. [Persian]
8. Clini MY. Translation of Usul Al-Kafi. 3rd ed. Tehran: Qaim Al Mohammad Publications; 2016. p.231-237. [Persian]
9. Folke P. We are after nature, translated by Yahya Mahdavi. 1st ed. Tehran: Tehran University Press; 1991. p.189. [Persian]
10. Noor Bakhsh Golpayegani M. Vocabulary of social sciences. 1st ed. Tehran: Optimum Publications; 2001. p.240. [Persian]
11. Larijani MJ. From modernism to ultra-modernism. Majles and Strategy Quarterly. 1993; 1(5): 33-48. [Persian]
12. Sajjadi SA. An introduction to Islam and globalization. 2nd ed. Qom: Boustan-e Kitab-e Qom; 2008. p.18. [Persian]
13. Kazemi Khorasani MA. The benefits of al-usul. 9th ed. Tehran: Islamic Publications Affiliated with Qom Teachers Community; 1986. p.216-221. [Persian]
14. Mousavi Bojunordi SH. Mentehi al-Asul. Imam Khomeini Institute for Organizing and Publishing Works. Tehran: Arouj Printing and Publishing Institute; 2000. Vol.2 p.216-221. [Persian]
15. Feiz AR. Araf al-Aqla 2. Proof and Mysticism, Comprehensive Journal of Human Sciences. 2006; 7: 24-29. [Persian]
16. Boroujerdi H. Al-Hashiyeh Ali al-Kafaye. 1st ed. Qom: Ansarian; 1935. Vol.2 p.216. [Persian]
17. Khomeini SR. Khomeini and Tahrirat Fay al-Asul. 4th ed. Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute; 1997. p.214-218. [Persian]
18. Motahari M. Human social evolution. Qom: Sadra Publications; 1984. p.115. [Persian]
19. Javadi Amoli A. Sharia in the mirror of knowledge. Tehran: Raja Tehran - Raja Farhani; 1993. p.27-29. [Persian]
20. Parkinson JHR. Intellect and experience according to Spinoza. Translated by Abdulahi MA. 1st ed. Qom: Bostan Ketab Publishing House; 2013. p.11. [Persian]
21. Hakim MT. Al-Asul al-Umaa al-Fiqh al-Maqarn. No Palce: Al-Majma al-Alami Lahl al-Bayt; 1997. p.198. [Arabic]
22. Ameli H, Mohammad H. Al-Shi'a tools. Beirut: Al-Bayt Foundation (peace be upon them), for the Revival of Heritage; 1997. Chapter 56 of the Chapters of Jihad al-Nafs Vol.11 p.295. [Arabic]
23. Khomeini RA. Anwar al-Hadaye. Tehran: Imam al-Khomeini's Tradition Editing and Publishing Institute; 2001. Vol.1 p.314-319. [Persian]
24. Mousavi MH, Razi V. Nahj al-Balagheh. 1st ed. Qom: Nahj al-Balagheh Institute; 2007. p.117. [Persian]